

زنان نیکاراکوئه ای خواستار حقوق خویش هستند

زنان نیکاراکوئه ای همه نقش بزرگی در مبارزه برای کسب آزادی و استقلال از سلطه اختلاف دیکتاتوری استالین و سوموزا ایفا کردند. هنوز درجهت کسب آزادی از برتری طلبی مردانه (Male Supremacy) به مبارزه خود ادامه می دهند.

چهار بندهای بین خواستهای مشخص زنان و حفظ وحدت ملی و دفاع از دستاوردهای یک جامعه انقلابی دارد؟

اکثر انقلابیون معتقد هستند که آزادی زنان از آزادی ملی جدائی ناپذیر است. اما اینکه این اصول چگونه در زندگی روزمره به مرحله اجرا درآید چندان مشخص نیست. زنان فعال و رهبران این کشورها در حال انجام وظایف بعد از انقلاب هستند و درجهت حیات های جدید و سازماندهی مشخص که جواب خواسته های مشخص زنان را بدهد گام بر می دارند.

زنان همیشه نقش عظیمی در مبارزات رهائی بخش سازی کرده اند. انجمن زنان نیکاراکوئه به سرپرستی جوانی به مسائل ملی (ANPRONAO) اولین سازمان در سال ۱۹۷۷ با تشویق یکی از جریان های که در جنبه رهبرانی به سرمانندنیستا (که در آن مقدس هنوز منجم نبود) تشکیل شد. این انجمن شامل مادران زندانیان سیاسی از کلیه طبقات بود. در آغاز این سازمان محور فعالیت خود را صرف محکوم نمودن نقش حقوق بشر از طرف رژیم ساموزا قرار داد.

بعدها (ANPRONAO) نقش کلیدی در نیام شهرها بازی کرده مخصوصاً با سازماندهی حیاتی محله به محله جهت حمایت از انقلابیون که با بهای "کمیته های دفاع ماندنیستا" را تشکیل می داد.

بعنازیمروزی انقلاب در ماه جولای ۱۹۷۶ ماسم این سازمان
به اندام اولین عضو زن FGIH که در جنگ بشهادت رسید
(AMNIAE) تغییر یافت . بر روی سازماندهی
زنان جهت حمایت از انقلاب و خدمت در آوردن آنها در مسائل
بازسازی و دفاع تمرکز کرد .

بنا بر گفته نویسنده فمینیست امریکائی ماری گارت راندال
(Margaret Randall) که با وزارت فرهنگ نیکاراگوئه
کار می کند ، این سازمان توده ای جدید است و ردهائی در یکسال
و نهم گذشته داغنه است . اما هیچیک از چیزهائی که آنها
توانسته اند بدست بیاورند چندان قابل ملاحظه نیست و جوابگوی
خیلی از مسائل زنان که از طرف ما و رهبریت مطرح شده بودند .
برای AMNIAE ، کار کردن بعنوان یک سازمان توده ای در
عمل به معنی غلبه انداختن دائمی مسائل بنیانی خواسته های
زنان بوده به طوریکه در واقع اضرائی مکرر دست به عمل زده ،
چرا که انقلاب بزرگ مدت با آینده پوزر و آزادی بومی و دولت
ریگان قرار گرفته است .

فعالین سیاسی احساس می کنند که AMNIAE خیلی از کارهای
دیگر سازمان های توده ای را کبیه برداری کرده است ، و این که
ساختمان سازمان توده ای برای مسئله مشخص استثنای زنان غیر
مناسب است چرا که این نوع سازمان خطوط طبقه ای و اقشار مختلف
را در بر می گیرد .

بنا بر این AMNIAE دارخوش را به دست جنبش با پایگاه
و سعی تغییر می دهد که بتواند در ادارات دولتی و سازمانهای
توده ای ، در کارخانه ها و مدارس ، در روستاها و غیره سازماندهی
کند . درحالی که AMNIAE در کنار سراسری خود را حفظ خواهد
کرده در لایح بنی (Grassroots) برنامه آنها شامل
تشکیل کنگره های زنان در هر جایی که زنان مشغول کار تحصیل
هستند و سازماندهی مبارزه روزمره اشان برای حیات و سرور
فرزندان ، تاکید بر کار آگاهترانه که باید هدفش هم مردان
و هم زنان باشد از وظایف این سازمان است .

یکی از برنامه‌های سراسری **قانون AMN** در سال جدید محرکست در جهت تعهد تمام قوانین خانواده در جهت دولت است. تا کنون فقط دو قانون بتصویب رسیده است یکی درباره قبول فرزند (**Adoption**) و مسئولیت والدین در مقابل خانواده است. قانون قبول فرزند در پاسخ به بیش از ۱۰۰/۰۰۰ یتیم که محضسول زمین لرزه ۱۰۶۲ و جنگ آزادبخش هستند می باشد. محدوده سنی مردمی که می توانند بجای رای به فرزند قبول کنند اکنون بسیار وسعت را ز گذشته شده و برای اولین بار افراد مجرد چه مرد و چه زن می توانند بجای یتیم رای به فرزند قبول کنند.

قانون قدیمی درباره مسئولیت اولیا، پدر خانواده را عملاً به درکنا تور خانواده تبدیل میکرد. علاوه بر ماهیت برتری الیسی جنسی (**Sexist**) آن ها این قانون با وجود درمدبای لای مادران مجرد و انانی ندارند. قانون جدید به والدین مقرر مینماید که در تصمیم گیری راجع به مسائل فرزندانشان مشترکاً عمل نمایند و وقتی که والدین از هم جدا میشوند، توریته کاملاً درست کسی است که فرزندان با او زندگی می کنند.

AMN در حال سازماندهی گروههای بحث در سراسر کشور جهت تا ۴ مین شرکت فعال زنان در فرمول بندی قوانین جدید که مسائلی مثل ازدواج، طلاق، مالکیت فقط جنین، کار مهد کودک، تجاوز، آدام ریانی را با بند بر گیرد، می باشد. حق تولید مثل (**Reproduction right**) مسئله بسیار شریفی در این کشور که اکثریت آنها کاتولیک هستند می باشد.

بحث عمومی مسائلی مانند سقط جنین تا به امروز در سطح بسیار محدودی انجام شده. اما این کشور است در حال مطرح شدن می باشد. مثالهای دروا و خرما ه (سال جاری) در باریکاد (**Parricada**) ارگان **CEJA** به این مسئله اشاره می کند که "از نظر تاریخی زنان نیککارا گونه شرایط نژادی که به آنها اجازه بدهد که تصمیم بگیرند که آیا بچه دار شوند یا نه را نداشته اند." هزاران زن نیککارا گونه ای هر ساله به خاطر سقط جنین غیر قانونی می میرند. **AMN** قرار است که ترمیم سیاسی و بحث در سطح یائین را در باره این مسائل تصویب کند.

در سدبایلی مادران مجرد (خانواده‌هایی که شوهر خان‌آده را ترک کرده است) یکی از عوامل اساسی در تعیین موقعیت اجتماعی اقتصادی زنان است. در حد و نصف تمام مادران نه‌کارا گونه‌ای مجرد هستند. آنها حق دارند که ماهانه‌ای از بدران فرزندانشان برای حمایت بگیرند. اما هر روز به‌از جهت شکایت برعلیه برانی که ماهانه را نبرداخته اند در صفا‌های بلندی می‌ایستند. بخش خانوادگی اداره تأمین اجتماعی سپس به تعقیب مردان می‌پردازد. روزنامه باره‌کادامی نویسد که این اداره به این نتیجه رسیده است که "خیلی از کارگران مردی که از نظر ایدئولوژیک با انقلاب همسوئی دارند وقتی به مسئله مسئولیت‌های خانوادگی می‌روند چنان که باید نتلابی نیستند".

راندا (Randall) توضیح میدهد که در سدبایلی مادران مجرد اثرات مثبت و منفی بر روی موقعیت زنان نه‌کارا گونه‌ای داشته است از یک طرف به آنها زندگی سختی را تحمیل کرده و از طرف دیگر آنها را مقاوم نموده است و باعث شده که در زندگی اقتصادی فعالیت شرکت نمایند، "گرچه آنها بدترین شغل‌ها و کمترین حقوق‌ها را می‌گیرند".

یکی دیگر از مسائلی که فعالیت سیاسی به آن اشاره می‌کنند بهر نزولی شرکت زنان در زندگی سیاسی کشور است. در اولین جلسه رهبران زن انقلاب ملی ساندنیستا، دورا ماریا تلز (Dora María Téllez) (این رفیق زن رهبر PSIRI در نیکارا گونه‌ای است) متذکر شد که بیش از ۳۰ درصد از کارهای PSIRI که قبل از ۱۹۷۸ مشغول فعالیت بوده‌اند زن هستند. اما در میان افرادی که پس از ۱۹۷۹-۱۹۷۸ فعالیت می‌کنند فقط ۱۲/۵ درصد زن می‌باشند. تلز (Téllez) تاکید می‌کند که اگر فعالیت سازماندهی در میان زنان تثبیت نشده این درصد به‌سر نزولی خودش ادامه خواهد داد.

راندا (Randall) این نزول را بدلیل زیرمی‌داند "آنچه معمولاً بعد از اتمام جنگ اتفاق می‌افتد به‌طور برتری مللی جنسی و نیز تفکر برتری بالبان در مردان و همچنین در زنان ۰۰۰۰ این یک مسئله عمیق اجتماعی است ۰۰۰۰۰۰۰ چون این به معنی عضو از غنای

چیزهاست که مردم بعد از جنگ می خواهند، خواستن بجهت، و اینکه مردم می خواهند یک زندگی مالمش داشته باشند..... که اساساً بار همه اینها بدوش زنان می افتد.

www.golshan.com

زمینه های برابری
XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

تاز (Tallat) به تمایل عناصر فعال و آگاه زن به قبول چنین وضعی حمله نموده و اظهار داشت " خیلی از رفقای خواستند به ANITAE پیوندند، و هم چنین کسانی وجود دارند که بسته کار سازمان زنان کم بها می دهند." او ادامه داد و می برید " چند نفر از آنها ۱۰ یا ۱۲ بار زمان ما هستند که تا ۱۰ ساعت در روز صرف کار مبارزاتی می کنند، بقیه اوقات را از نشرا بدو لوزیکی همان فخر سنتی زنان استعمارشده را بخود می گیرند و بعضی ها حتی از این کار خوششان می آید؟ "

اتفاقی که بین ارتش و ANITAE در اوایل جولای اتفاق افتاد نمی تواند تنها سبب از برنسا زمانه و جهت گیری جدیدی بدست دهد. یکی از گردان ذخیره مردان از استلی (Estell) در حال آماده شدن برای رفتن به کوهپای حوالی مرزها اندران () برای نگهبانی بوده مسئول گردان به رفته و درخواست دو نفر آشنای می کند.

ANITAE به این درخواست اعتراض کرده و یک جلسه بزرگ ترتیب می دهد که رئیس میلنای ملی در آن مطلع ادن باستورا (Eden Zentora) در آن شرکت می کند. نمایندگان گروه متذکر شدند که آنها حاضرند آشنایان را تحویل دهند اما منحصراً برای آنها می رود. آنها درخواست کردند که گردان زنان باید تشکیل شود.

مبارزه زنان در نیکاراگوئه هنوز راه طولانی در پیش دارد. اما تنهایی در حال گذاشتن پایه های محکمی است. و انسدال که بیشتر سالها می گذارد کو با زندگی کرده است. این گروه را در چپارچوب تاریخی می گذارد و می گوید " این حقیقت که زنان نیکاراگوئه در ANITAE راجع به مسائل فوق صحبت می کنند. درحالی که هنوز بیش از دو سال از پیروزی انقلاب گذشته، واقعاً

با ورزگردنی است . این مسئله در کوبا در سال ۱۹۷۴ به تشویق
فیدل کاسترو مطرح شد . اینجا این خودزنان هستند که راجع به
این مسائل صحبت می کنند و این در لحظاتی است که صحبت راجع
به هر چیز دیگری بجز دفاع از کشور و بالا بردن سطح تولید کسار
مشکلی است ."

ساریسا، یگرن کارگروما در ۷ بجه که شوهرش را و را بغا ابرع عدم
ترك ميلجسا ، ترك نموده ، نمونه گویانی است از سلاح آگاهی
با ادرمیان فعالین سیاسی . " من به نه به نه پیوستم چرا
که دیدیم آنها از زنان حمایت می کنند " ما را ادامه میدهد " آنها
می خواهند در ها را بروی ما زنان مثل برده ببندند . ما باید
مبارزه کنیم تا دیگر تحت سلطه مردان نباشیم . و بدین ترتیب
بتوانیم کمی آزادی داشته باشیم که بتوانیم در جریاناتی که
در مملکت اتفاق می افتد شرکت کنیم " .

ترجمه از هفته نامه گاردین تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۱

واحد لینگن - نبراسکا

www.golshan.com

بدون استفاده از وسایل جلوگیری از آبیستی کسبی نمیاید ولیکن امیدواری است که * برنامه آوزیر هنگو * این آثار را ببینود
بختیید و از مقامایان زیاد طغی در کوبا بگذرد . نسبت خنای در کوبا بین سالهای دوم و چهارم اردواج ین از سگه ازدواج
است . مسئولین برنامه آوزیری اصم کرده اند که آنان قصد کشن جمعیترا ندارند .

دکتر Celestino Lojochere از متخصصین معروف بپایبندی زنان و زایمان در کوبا که فز مسئولین برنامه آوزیری است
میگوید : * دولت کوبا تا آنجا که من میدانم قصد کشن جمعیترا نداشته ندارد و نخواهد داشت . بجهان صورت که کشور
توسعه می یابد طبیعتاً درصد رشد جمعیت به صفر نزدیک میشود . درصد شولف ۱۱/۷ برای ۱۰۰۰ نفر است . این نصف در-
صد ترک قبل از انقلاب بوده و حتی قابل مقایسه با ارقام مشابه در کشورهای پیشرفته خواهد بود .

کتابهای چاپ جمهوری دمکراتیک آلمان (آلمان شرقی) برداشتی از مسئله همجنس خواهی را ارائه میدهند که برای مرد
کوبا قابل قبول نبوده و سنگینی را بوجود آورده است . در کوبا نیز طبق سنت . همجنس خواهان از جامعه طرد شده اند و اگر چه
اکنون همجنس خواهی غیر قانونی نیستولی آنان می توانند بصورت حزب درآمده یا شاخ روشنی کسب کنند . دکتر

Bruchner در صحابه ای که اخیراً در کوبا انجام شده سیاست جمهوری دمکراتیک آلمان را نسبت به همجنس خواهان توسط
مسئولین سران :

* ما همجنس خواهان را یک اقلیت حسی میدانم . آنها حقوق خاصی در جامعه ندارند ولی بجهان صورت نیز نباید در جمهوری
دمکراتیک آلمان مورد تبعیض قرار گیرند . ما همجنس خواهان را یک انحراف یا یک مرض نمیدانیم . این پدیده در تمام حوای وجود
نار و حدوداً ۳-۵٪ از جمعیترا طبیعتاً شامل میشود .

در ۱۹۶۸ غیر قانونی بودن همجنس خواهی در آلمان شرقی طغی شد . البته غیر از روایت جنسی با افراد نابالغ .
Dr. Bruchner میگوید : * در جمهوری دمکراتیک آلمان مردم عموماً با همجنس خواهان مدارا میکنند . * بخشی از کتاب
Dr. Bruchner تحت عنوان " اقلیت جنسی " که به تجزیه و تحلیل همجنس خواهی میپردازد از چاپ کوبای آن حذف شده

ولی کبیت ضریبات Bruchner در آن آمده است . Dr. Bruchner توضیح میدهد که : * تبعیض علیه " اقلیت جنسی " (همجنس خواهی) در هر کشور مشهود است و در کوبا نیز فرهنگ لائین و کبیانی گاتیبت این تبعیضاترا صیفاً ریشه دار ساخته
استولییش باید مقرر شد که کوبا در مسیر معدود کردن این تمصبات سرکشت میکند و آمنت رشد فرهنگ نوین در روایت جنسی
سریمتر از آن بوده است که در آلمان شرقی و سایر کشورهای سوسیالیستی مشاهده شده است .
مسئولین سران تأکید میکند :

برنامه آوزیری روایت جنسی برخی از پرچوردن های مرد سالارانه و پیکامنه مردان را هدف انتقاد قرار داده است . در کوبا
این تصویر زن مسئول جلوگیری از آبیستی هستند هنوز بسیار مقدور است . Monica Krause دبیر مدراسیون زنان کسوبا
(FMC) و از مسئولین برنامه آوزیری میگوید :

* در پی از مستراتی های که برای دانش آوزیران سال دهم ترتیب داده بودیم وقتی که بحث به جلوگیری از آبیستی رسید مستطار
پسرها برخاسته و از کدر حراج شدند . وقتی ما سرانجام آنها را جمع کرده و عظمت نور کمر را جویا شدیم آنها حین سوسرد
به دسترها اشاره کرده و گفتند که جلوگیری از آبیستی کار آنها (دخترها) مستور رضی بنا ندارد ! *

Monica Krause دبیر مدراسیون زنان کوبا (FMC) که از همکاران Dr. Celestino Lojochere در برنامه
آوزیری است معتقد است که باید حس مسئولیت ترا در مردان بوجود آورد . یکی از پوسترها آوزیری مسرد شکران را نشان
مدهد که دستهایش دور شکم باد کرده اثر گره خورد و نوشته پوستر بفرسار ریسراحت :

* اگر ایس شما بودید که آبیستش می شدید آیا بیشتر سرانقبستش کسب سردید ! *

برنامه آوزیری سعی در توجیه سنگین از ازدواج دارد و در عین حال با نادرست دانستن بیفیدی اخذنی و مکرانهای
در جوانان رفتار منجیده را در روابط جنسی تشویق نمیاید . برنامه آوزیری زمانی آغاز میشود که کوبا در سن دهمین سرد
تجدید نظر میکند . دو فیلم معروف اخیراً در کوبا مسئله زنان را بررسی کرده و از آن بعنوان سنتی امراضی و مردسالانه نقدید!

یکی از مؤثرترین برنامه های آموزش مسائل جنسی در کوبا اجرا میشود. این برنامه اولین کشور دولت در آموزش مردم خصوصاً جوانان در مورد مطالبی از قبیل: جلوگیری از آیدستی، روابط جنسی، رابطه جنسی قبل از ازدواج، همسر خردی و سقط جنین است. Jerry Falwell انقلابی احتمالاً از برخورد مسئولین دولت کوبا با این مطالب جنسها خوشتر است. جنسی ایسا نیز در کوبا در بد پرر این مسائل مطابقت و سرسختی وجود دارد. کوبا باید مادی این برنامه کنونی "آموزش جنسی" را در دهه قبل یا فائوتی کردن لایحه خانواده که حق زنان را در پرورش فرزندان سقط جنین و استفاده از وسایل جلوگیری از آیدستی تعمیم مینماید. فراهم نمودن، مادرانی که برای زایمان کار خود را ترک میکنند تا ۱ ماه حقوق خود را دریافت داشته و نارسا تا پیشان مسالت میشود. نگهداری روزانه از کودکان مجانی بوده و بعد از ۴۵ روز اول تولد ارائه میشود. تعدیه محسوس بر خدمات بهداشتی پزشکی نیز در دسترس همگان است. سقط جنین تا دهین هفت از آیدستی مجانی با خواست زنان انجام میشود و مسائل جلوگیری از آیدستی مانند IUD در ایفام فرم و کاپوت در شام دارینانه ها بدون نسخه در اختیار مراجعه کنندگان قرار میگیرد. ولی نه چندین دور یعنی در ۱۱۷۱ شدرا همین زنان کوبا () اشم کرده بود که این اقدامات کافی نیستند. امسانی که بتوانند جوانان را در مورد مسئولیت روابط جنسی آموزش داده و مسائل احساسی مربوط بآن را بعنوان بحث مهمی از پس روانه جنسی نوسی دهد وجود نداشته. تربیت کارکنان امور بهداشتی نیز در این رشته بسیار ناچیز بود. در ۱۱۷۵ حزب کمونیست کوبا پشتیبان وسیعی از نریا شدرا میوزن زنان کوبا (FAMC) را در اجرای تصمیمات "برابری همه جانبه زنستان" آفرین بود. در فاصله کوتاهی از آن یک گروه آموزش ملی در امور جنسی با همکاری شدرا میوزن زنان کوبا (FAMC) وزارت بهداشت عمومی تشکیل شد. گروه تصمیم در اجرای دو امر شد: تربیت مستقرین حرفه ای که بتوانند عملاً در این رشته ها بکار بپردازند و اجرای یک برنامه وسیع آموزش همگانی. کوبا تجربه دیگر کشورهای سوسیالیستی را در این باره مطالعه کرده و بعد از چندین کتاب چاپ جمهوری دمکراتیک آلمان (آلمان شرقی) را در این زمینه انتخاب نموده است.

در سه سال گذشته سه کتاب جنسی در امور جنسی چاپ شده است: اولی برای جوانان دومی برای پدر و مادرها و سومی برای استادکاران امور احشایی و بهداشتی.

این کتابها از تعقیقات Dr. Heinrich Bruchner و Dr. Wilhelm Sehneb، ترتیب مشخصی اعمال و امور جنسی و روانه نامی از جمهوری دمکراتیک آلمان اقتباس شده اند. کتابهای نامبرده در فاصله کوتاهی هر کدام با ۱۵۰/۰۰۰ نسخه چاپی اولین آلمان شرقی را در کوبا بعد از کاسترو چه کوآرا جزو پر فروشترین نموده اند. در دو کتابی که برای همگان چاپ شد، بهر توجیه تولید من تدریس میشود و اینکه چگونه باید با فرزندان خود مسائل جنسی را بیابوزند مورد بررسی قرار گرفته. همیشه تاکید میشود که والدین با پیشی یا خرافات موجود که مانع اصلی بوجود آمدن یک دایالوگ مستقیم بین آنگان و فرزندان است باز نه کنند.

تجارب سه آمیزش:

با توجه باینکه مسائل جلوگیری از آیدستی در دسترس همگان بوده و در شمار ما کشورهای دیگر اینکای لاتین تنها کمتر نسبت به تاثیر منفی خردی بوده و مردم شایین بیشتری نسبت به مکر نشان میدهند ولی گروه آموزشی دریافته است که مردم آموزش بسیار ناچیزی در این مسائل دارند.

در ۱۱۷۰ آیدستی جوانان یکی از مشکلات بهداشتی محسوب میشد. حدود ۵۰٪ نوزادان به مادران کمتر از ۲۰ سال تعلق دارند. با اینکه در چند سال گذشته هر دو درصد سقط جنین پایین آمده ولیکن مادران کمتر از ۲۰ سال به ۱/۳ کس مادرانی که سقط جنین میکنند اعراض یافته اند. گروه آموزشی دریافته است که ۵۰٪ مردم در کوبا اولین تجربه جنسی خود را

استفاد کرده اند . در کوبا با تعاریف جدید از نافرمانان و مبارزه یا سرافاقات جنسی انضباطی آرام در حرکت است .

مدت زیادی می گذرد که کوبا لایحه برابری زنان (ERA) خود را تصویب کرده ولی قانونی کردن برابری زنان با مردان به مراتب آسانتر از مساویان واقعی شویسم مرد است . کوبا همواره فضا می پذیرد که برابری واقعی زنان با مردان استحقاق به رسمیت برابری بیشتری دارد .

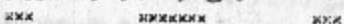
توجه: از هفته نامه گاردین تاریخ (۷) اکتبر ۱۹۸۱
یکی از هواداران

پنج سال در زندانهای آرزانشین

"جرم من مبارزه در اتحادیه ها بود"

علیرغم تبلیغاتی که امپریالیسم آمریکا و دولت ریگان در مورد بی بودی حقوق بشر و کاه سرور و خفتان در کشورهای بی نظیر آرزو نشین و تبلیغی میکنند تا افکار عمومی مردم آمریکا را برای تحکیم و گسترش حمایت آمریکا از حکومت نژاد میانه کوررها آماده نماید هیچگونه شیوهی اساسی در کیفیت سرکوب و خفتان و دیگنا توری حاصل نشده است. آنچه که سرودها و تبلیغاتی "حقوق بشر" در زمان دولت کارتر بدنبال ذات حرفه ای و سرگردن و تدقیق تا کتبکهای سرکوب و باز کردن سوابق اطمینان هائی در اینجا و آنجا ساخته شده است.

آنچه که در ۱۹۷۵ از نظر میگذرد در همه حنا نیست که هفته نامه "دنیا ی کارگران" چاپ آمریکا از فول یکی از زندان انقلابی آرزانشین نقل کرده است. این زن مبارزه مدت پنج سال در زندانهای رژیم وابسته به امپریالیسم آرزانشین بسر برده است. سخنان او تصویری از شرایط زندگی زندانهای آمریکا را در کنوری بدست میدهد که شروع قوانین و حقوق مدنی و برهبرها گذاشته شده است.



او بدلیل امنیتی از معرفی خود با نام واقعی نام خودداری کرده میخواهد او را "ای. روبریکو" بنا میس او در اکتبر ۱۹۷۵ در شهر روزا ریوست گبر میشود. در آن زمان ارتش آرزانشین برای مقابله با جنبش توده ای روبرو در زندان کودتا ی با حمایت آمریکا (سا زمان جاسوس ها) برآمده بود. با نفعای شبه نظامی فعال شده و از سال ۱۹۷۳ بدینمزاران نفر ترمای عملیات تروریستی آنها عمده بودند. روبریکو میگوید: "من در فعالیت های اتحادیه ای درگیر بودم و کارهای آموزشی را به عهده داشتم به همین دلیل دستگیر شدم یعنی به جرم حمایت از حقوق معلمان حقوق دانشجویان و دانش آموزان و تیراه مبارزه برای دست یافتن به آموزش و تعلیم و تربیتی مردمی پنج سال زندان کعبدم."

روبریکو محبوس شده بود که یک سال اول دوره زندان در بزرگ زمین پلیس در منطقه روزا که معروف به "نسخه زندان" بود بسر برد. در این دهمه زندانها از هر جا آفتاب و ابتدائی ترین حقوق انسانی محروم بودند. آنها هیچ نوع ارتباط و تماسی با سایر نواده هایمان و با دنیا خارج نداشتند. برای سر زهر زمین نموره با غذای بسیار اندک و لذت هر نوع مراقبت پزشکی هر روز با اخلاقت جایز جوشی، کتک و شکنجه مرگ دست به گریبان بودند. بسیاری از زندانیان در جلوی چشم آنها به قتل میرسانند. روبریکو تصریح میکند که "یک روز آنها (زندانها) از ما خواستند که ۱۵ نفر از بین خودمان بسرای اتحادیه انتخاب کنیم. روزی دیگر آنها یکی از رفقا یمان را از زندان بردند و بعد ما شنیدیم که جسد او در میان های روزا رسیده و پلیس مدعی شده است که او یکی از گری گشته شده است."

در مارس ۱۹۷۶ ارتش که توسط وانگنن حمایت میدهد قدرت را بدست گرفت و یکی از همین سرسین دوره های دست سرور و خفتان در آرزانشین آغاز گرفت. روبریکو ادامه داد: "ارتش با تانک ها و سلاح

جنگی خبا با آنها را به اغفال فرآورد. ارتشیان هزارها زن و مرد صیبرو جوان و کودک را نزد بدنده گشتند و شکنجه کردند. بیش از ۳۰ هزار نفر دستگیر و در بن‌ها اردوگاه زهر زنی پراکنده شده با امر مسوزی ناپدید گشتند. بیش از پانزده هزار نفر کشته و بیش از دهها هزار نفر در زندانهای کثرت و سخت ترین شرایط با سرگروبور گشتند. ۳۰۰۰۰ هدام زندانیان سیاسی يك پدیده معمول شده بود. نظامیان مدتها زندانیان سیاسی را در حالیکه دست و پا بستن را می‌بستند قتل عام میکردند و بعد متعنی میدادند که زندانیان قصد فرار دارند و در ضمن فرار کشته شده اند. طرح رژیم برای زندانیان این بود که نه تنها افکار و ایده‌های سیاسی مخالف را خاموش سازد بلکه افراد بسیار را از لحاظ بدنی هرواثر اخلاقی بطور سیستماتیک به ناپهودی کشاند. هر دوکتور و نیز مدبر سابق (وبلا دوووتو) زندان پونس آیرس (با تحت آرزانتین) که زندانیان سیاسی زن را در آنجا نگاه میداشتند مینماید گفته بود که "زندانیان و بلاد دوووتو با همواره بیرون خواهند آمد با سرده" فرسال ۱۹۶۱ رودریگز به همان زندان و بلاد دوووتو فرستاده شد جاتیکه او مجبور بود يك سلول تك نفره را با سه رفیق دیگر فریک شود. آنها ۲۱ ساعت از شبانه روز را در این سلول بسر میبردند. آنها حق سرو و خوابیدن با بلند حرف زدن را نداشتند. کتابها همان عهدا* مانسور میشد و در هیچ روزنامه‌ای مجاز نبود. درست کردن تاس برای بازی از خمیر نان با تافاله های چسبایی جرم محسوب میشد و زندانیان را به جرم چنین کارهایی به مدت ده الی سی روز به دهمه های انفرادی فوق العاده کوچک و نمور و تاریک میفرستادند. رودریگز میگوید: "من باره بار به این دهمه فرستاده دهم. یکبار به اطرايشکه آنها مرا در حالیکه روی تخت خواب ایستاده و از منجره کوچک زندان به بیرون نگاه میکردم و مشغول خواندن سرو دبرای رفقای زندانی در ارتباطات با لشر بودم دیده بودند. یکبار دیگر به اطرايشکه از زندانیان خواستم که به اطرايشکی از رفقا که بهما ری آسم داشت و نمیتوانست نفس بکشد لای در زندان را قدری باز بگذارد."

زندانیان سیاسی زن در بلاد دوووتو در مقابل طرح های رژیم که هدفش نابودی آنها در زندان بود انستاده سفال و تانترهای سفیدانه بر میخواستند. مثلاً در حالیکه یکی از رفقا کشیک میداد در رفقای دیگر ورزش میکردند و با کارت و تاس ها تیکه با کاغذ و خمیر نان ساخته بودند بازی میکردند و با استخوان پاره ها، آهن کارهای دستی میساختند و با رنگ چمن در تافاله های چسبایی که در تاسال و طرح های نقاشی درست میکردند. رودریگز تعریف میکند که "تا یا لشر راهاتی برای ایجاد دلها و کاروا با دارتباط با هم دیگر پیدا میکردیم مثلاً از طریق صبح ها و بدهج های روی دیوار یا در فایمان در سلولهای مجاور حرف میزدیم. ما توانسته بودیم از این راه عووضی ها و ماجرای و لایع مختلف را بهم منتقل کنیم. ما حتی توانستیم بدویم با هم بحث سیاسی نیز داشته باشیم. مادر زندان همه چیز را ما هم و با او اشتراکی مورد استفاده قرار میدادیم مثلاً "نیاس وحشی" موضعیت مخکری و روحی خود را. ربه حه ساقوی و بالا بود. ما به هم ولت با هم خسته میشدیم و گاه ترس بر ما مستولر. میبند و احتیاج داشتیم همه دیگر را تقویت کنیم. رودریگز ادامه میدهد: "امروز به اطرايشیا رزه بی با مان مردم ما و به اطراف را بهین المطلق رژیم دیگر

فانریست شرح گفتارهای تشه جمعی وناپدید کردن های وسع را مثل سابق ادامه دهد* او میگوید که همین فکار ما بود که منجر به آزادی عودا واز زندان دهه است* اما این بدان معنی نیست که رژیم نئاسی آرزاندهن نت از سرکوب و خفلان بر راعته است* بلکه آنها سرکوب خود را خیلی منحص تر و اندها پ های خود را دقیق تر کرده اند* دستگیری ها افزایش پیدا کرده است* اما طبق ادعا ی دمکتا توری ما بسن دستگیریها* در چهار رچوب قانون صورت میگیرد* در حال حاضر سر به نیست کردن میا رزان نامنه وسیع تری یافته است*

رژیمیکر حزنتانی سیاسی سابق منا* که میگویند که برای مقلع حمایت و همبستگی بین المللی اهمیت بسیاری دارد* لازم است که نه تنها جناها ت رژیم آرزاندهن معکوم خود بلکه از مبارزات مردم در جهت سرنگونی این رژیم نیز حمایت گردد* رویه گزاران افه کرد که مبارزه علیه دمکتا توری آرزاندهن در واقع به تضمین کمپ امهر بالهم کمک خواهد کرد*

ترجمه از مقاله ای در هفته نامه

Workers World

من مادرم

من خواهرم

من همسری مادرم

من يك زنم

زنی از دهکده های مرده جنوب

زنی که از آغاز

با پای برهنه

دویده است سر تا سر خاک تف کرده ی

دشت ها را .

من از روستاهای کوچک شمال

زنی که از آغاز

در شالیزار و مزارع چای

تا نهایت توان گام زده است .

من از ویرانه های دور شرق

زنی که از آغاز

با پای برهنه

هشش تنه زمین را

در پی قطره ای آب در نور دیده است .

زنی که از آواز

با بای برهنه

همراه با گاو لاغرش در خرمنگاه

از طلوع تا غروب

از شام تا بام

سنگینی رنج را لمس کرده است

من يك زنم

از ایلات آوارهی دشتها و کوهها

زنی که کودکش را در کوه بند لیا می آورد

و بزنی را در پهنه دشت از دست میدهد

و پنه عزای می نشیند

من يك زنم

کارگری که دستهایش

ماشین عظیم کارخانه را به حرکت در می آورد

و هر روز

تراژدیهایش را در تداومهای چرخ

رهز ریز می کند پیش چشمانش

زنی که از عصاره ی جانش

پرورارتر می شود لاشه ی خونخوار

و از تباهی خویش

افزونتر می شود مرد سرمایه دار

زنی که مرادف ملبوس

در هیچ جای فرهنگ ننگ آلود شما
وجود ندارد .

که دستهایش سپید
قامتش ظریف
که پوستش لطیف
و کیسوانش خطر آکین باشد

من یک زن
با دستهایی که
از تیغ برنده ی رنجها
زخمها دارد .

زنی که قامتش از نهایت پیشروی شما
در زیر کار تو انفرسای ،
آسان شکسته است .
زنی که پوستش آئینه ی آفتاب کویر است .
و کیسوانش بوی دود میدهد .

من زنی آزاده ام
زنی که از آغاز
پا به پای رفیق و برادر خود
دشتها را در نور دیده است .
زنی که پرورده است
بازوی نیرومند کارگر
و دستهای پر قدرت دهقان را
من خود کارگرم
من خود دهقانم

تطبی قامت من تالش رنج

و بیکرم تجسم کینه است .

چه بیشرمانه است که به من بگویند

رنج گرسنگی ام خیال

و عریانی تنم روزا است

زن یک زخم

زنی که مرادف ظموض

در هیچ جای فرهنگ ننگ آلود شما

وجرد ندارد .

زنی که در سینه اش دلی

آکنده از زخمهای چرکین

خشم است .

زن که در چشمانش

اندکاس گلرنگ گلوله های آزادی

هیچ هزنت .

زنی که دستانش را کار

برای گرفتن سلاح پرورده است .

کسیکه مثل هیچ کسی نیست

من خواب دیده‌ام که کسی می‌آید
 من خواب یک ستاره فرمز دیده‌ام
 و بلك چشم می میبرد
 و کفتها هم می جفت می‌شوند
 و کد شعری
 اگر دروغ بیگویم
 من خواب آن ستاره فرمز را
 رفتم که خواب دیدم دیده‌ام

کسی می‌آید
 کسی می‌آید
 کسی دیگر
 کسی بهتر

کسی که مثل هیچکس نیست و مثل پدر نیست و مثل اسی نیست و مثل پچی نیست و مثل مادر نیست

و مثل آنکسی است که باید باشد
 و قدرش از درخت های خانه معمار هم بلندتر است
 و مورس
 از حورث امام زمان هم روغندر
 و از برادر سید جواد هم
 که رفته است

و رخت با سبانی پوشیده است بصورت
 و از خود سید جواد هم که تمام انان های منزل ما مال او است دمترسد

و استراحت آنجا که مادر
در اول نماز و در آخر نماز خدا پسر میکند
با فاضل الفناات است
با حاجت العاجبات است
و میتواند

تمام حرفه های سخت کتاب کلاس سوم را
با چشم های بسته بخواند
و میتواند حتی هزار را

بی آنکه کم بیاورد از روی بیست میلیون بردارد
و میتواند از مناره سید جواد مرچندر که لازم دارد جنس سهه بگیرد
و میتواند کاری کند که لامپ «الله»
که سبز بود / مثل صبح سحر سبز بود
دوباره روی آسمان مسجد مفتاحیان
روشن شود

آخ

چندر روشنی خوبست

چندر روشنی خوبست

و من چندر دلم میخواهد

که بچی

پنجا چرخه داشته باشد

و پنجا چرخ زنبوری

و من چندر دلم میخواهد

که روی چارچرخه بچی میان هندوانه ها و خربزه ها بشنود

و دود میدان مسدوده بپرسم

آخ

چندر دود میدان چرخه بدن خوبست

چندر روی پشت بام خوا بیدن خوبست

چندر باغ مای رفیق خوبست

چنددر سیدمای فردین غروبست

و من چنددر از همه چیزهای خوب درهم میآید

و من چنددر دلم میخواهد

که گیس دختر سید جواد را بکنم

چرا من اینهمه کزک نسیم

که در خیابان تا کم میشوم

که پدر که اینهمه کزک نیست

و در خیابانها کم نمیشود

کاری نمیکند که آذکسی که بغواب من آمده است و روز آمدن را جلو بیا نندازد

و مردم محله کفتارگاه

که شان باغچه هاغان هم غروبست

و آب حوضهاشان هم غروبست

و نفت کفترهاشان هم غروبست

چرا کاری نمیکند

چرا کاری نمیکند

چنددر آذنا بیزستان دنبال است

من پلمتای بهت بام را جا رو کرده ام

و شیشه های پنجره را هم شسته ام

چرا پدر فقط با بد

در غواب بملوا بپهیند

من پله های بهت بام را جا رو کرده ام

و شیشه های پنجره را هم شسته ام

کسی مآبد

کسی مآبد

کسی که در دلت با حاست در دلت با ماست در مدایش با ماست

کسی که آمدندش را

دمه در گرفت

و سبب زد و به زندان انداخت

کسی که زهر دردهای کهنه یعنی جهه کرده است

و روز به روز

بزرگ می‌رود و بزرگتر میشود

کسی که از باران و از مدای شهر باران و از میان هیچ گل‌های اطلسی

کسی که از آسمان موهناده در هیأتش بازی مآبد

و سطره را مبادا زد

و نان را نمست میکند

و بهی را نمست میکند

و باغ‌ها را نمست میکند

و شربت‌سباه سرفه را نمست میکند

و روز اسم دویسی را نمست میکند

و چکنه‌های لاشکی را نمست میکند

و پندای لردین را نمست میکند

درخت‌های دختر سید جواد را نمست میکند

و هر چه را که باد کرده باشد نمست میکند

و سهم ما را هم نمست

من خواب دیده‌ام . . .



پسای رنجیدیده زن

که بسی تو هرگز نمر نگیره

کنند از بسن رژیم شه

پسراغزای درفش انقلاب

تا مونسگون کردد ارتجاع

باید زنان هم استوار

که بسی شک آزادی زنان

هرجا به هر گوشه جهان

همدوش و شریکد یگر درد و زن

پسای آزاده زن گسل

پسای رنجیدیده زن گسل

پسای رنجیدیده زن

که بسی تو خورشید انقلاب

بزد اغیار قرنهای ستم

(۲) انقلاب خلق

سرفنده نیروی زحمتکشان

(۴) سرود و زن رنجبیر

تا خلق آرد قدرت به کف

این انقلاب را همرومی کنند

(۲) درد و استخلاق است

کسانجا گشته خلقی بسا

جنبش خلق را رهبری کنند

زنجیر استعمار

زنجیر استعمار

بزد اغیار قرنهای ستم

(۲) هرگز نمی تواند

www.golshan.com

